

بررسی مقایسه‌ای ابعاد هوش اخلاقی از دیدگاه دانشمندان با قرآن کریم و ائمه معصومین(ع)

مرضیه مختاری پور*

دکتر سیدعلی سیادت**

چکیده

امروزه پژوهشگران به هوش اخلاقی علاقه‌مند هستند؛ زیرا مرز بین نوع‌دوستی و خودپرستی را توصیف می‌کند. توجه به هوش اخلاقی، یک ایده آسمانی است که الهام‌بخش رفتارهای افراد می‌باشد. تحقیقات نشان می‌دهد که رشد اخلاقی افراد با رفتارهایی که آنان از خود نشان می‌دهند، رابطه مستقیم دارد. هدف اصلی این مقاله، بررسی مقایسه‌ای هوش اخلاقی از نگاه بوربا (۲۰۰۵) و لنینک و کیل (۲۰۰۳) با دیدگاه قرآن کریم و ائمه معصومین(ع) بوده است. برای بررسی موضوع این مقاله از گنجینه غنی و هدایت‌گر قرآن کریم و کتاب‌های ارزشمند و گرانبهای نهج‌البلاغه، تحف العقول، بحارالانوار، میزان‌الحکمه و غررالحکم استفاده شد که مجموعه‌ای از خطابه‌ها و کلمات قصار ائمه معصومین(ع) است. نتایج این بررسی نشان داد که:

۱. با توجه به سخنان قرآن کریم و ائمه معصومین(ع)، از بین اصول عمومی هوش اخلاقی بوربا (هم‌دردی، هوشیاری، توجه و احترام، خودکنترلی، مهربانی، انصاف و صبر)، به اصول هوشیاری، توجه و احترام، خودکنترلی، مهربانی و انصاف اهمیت بیشتری داده شده است.
۲. از بین چهار اصل اختصاصی هوش اخلاقی توسط لنینک و کیل (درست‌کاری، مسئولیت‌پذیری، دل‌سوزی و بخشش)، سه اصل درست‌کاری، مسئولیت‌پذیری و بخشش بیشتر مورد توجه قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: هوش اخلاقی، درست‌کاری، مسئولیت‌پذیری، دل‌سوزی، بخشش

مقدمه

اخیراً اصطلاح جدیدی با عنوان «هوش اخلاقی»^۱ توسط بوربا^۲ (۲۰۰۵) در روان‌شناسی وارد شده است. وی هوش اخلاقی را «ظرفیت و توانایی درک درست از خلاف، داشتن اعتقادات اخلاقی قوی و عمل به آنها و رفتار در جهت صحیح و درست تعریف می‌کند» (بوربا، ۲۰۰۵، ص ۲۳). هوش اخلاقی به معنی توجه به زندگی انسان و طبیعت، رفاه اقتصادی و اجتماعی، ارتباطات آزاد و صادقانه و حقوق شهروندی است. هوش اخلاقی به این حقیقت اشاره دارد که ما به صورت ذاتی، اخلاقی یا غیر اخلاقی متولد نمی‌شویم؛ بلکه یاد می‌گیریم که چگونه خوب باشیم. یادگیری برای خوب بودن، شامل ارتباطات، بازخورد، جامعه‌پذیری و آموزش است که هرگز پایان‌پذیر نیست. آنچه که ما برای انجام کارهای درست به آن نیاز داریم، همان هوش اخلاقی است که با استفاده از آن به یادگیری عمل هوشمندانه و دستیابی به بهترین عمل خوب نزدیک می‌شویم. در هر بخشی از زندگی به بهترین اطلاعات قابل دسترس می‌رسیم، خطرات را به حداقل می‌رسانیم و نسبت به پیامدهای آن خوش‌بین هستیم. افراد با هوش اخلاقی بالا کار درست را انجام می‌دهند، اعمال آنها پیوسته با ارزش‌ها و عقایدشان هماهنگ است، عملکرد بالایی دارند و همیشه کارها را با اصول اخلاقی پیوند می‌دهند. به زعم بوربا (۲۰۰۵) هفت اصل مورد نیاز برای هوش اخلاقی، هوشیاری، هم‌دردی، خودکنترلی، توجه و احترام، مهربانی، صبر و بردباری و انصاف است.

در این مقاله سعی شده تا اصول هوش اخلاقی از نگاه قرآن کریم و با تأکید بر نهج‌البلاغه استنباط، استخراج و تبیین شود. در واقع، می‌توان ادعا کرد که الگویی از مبانی ارزشی در مورد هوش اخلاقی در متون و منابع دینی از جمله: نهج‌البلاغه، تحف‌العقول، بحارالانوار، غررالحکم و غیره ارائه شده است.

بیان مسئله

امروزه سازمان‌ها به صورت فزاینده‌ای خود را درگیر مسئله‌ای می‌بینند که آن را معمای اخلاقی می‌نامند؛ یعنی اوضاع و شرایطی شده که باید یک بار دیگر کارهای خلاف و کارهای درست را تعریف کرد؛ زیرا مرز بین کارهای درست و خلاف بیش از پیش از بین رفته است. بدین ترتیب، اعضای سازمان شاهد افرادی هستند که در سازمان

1. moral intelligence

2. Borba

اطراف آن وجود دارند و دست به کارهای خلاف می‌زنند. در چنین شرایطی، مدیر باید از نظر اخلاقی جوئی سالم برای کارکنان در سازمان به وجود آورد تا آنان بتوانند با تمام توان و بهره‌وری هر چه بیشتر کار کنند. این امر، نیازمند وجود رهبری با هوش اخلاقی بالاست. هوش اخلاقی، شامل توانایی درک درست از خلاف، داشتن اعتقادات اخلاقی قوی و عمل به آنها می‌باشد. اخیراً پژوهشگران سازمانی به هوش اخلاقی رهبری علاقه‌مند شده‌اند؛ زیرا می‌تواند مرز بین نوع‌دوستی و خودپرستی را خوب توصیف کند. توجه به هوش اخلاقی یک ایده آسمانی است که الهام‌بخش رفتارهای رهبران می‌باشد. نخستین بار اصطلاح هوش اخلاقی توسط بوربا (۲۰۰۵) در روان‌شناسی وارد شد. وی هوش اخلاقی را «ظرفیت و توانایی درک درست از خلاف، داشتن اعتقادات اخلاقی قوی و عمل به آنها و رفتار در جهت صحیح و درست تعریف می‌کند» (همان، ص ۲۳). هوش اخلاقی به معنای توجه به زندگی انسان و طبیعت، رفاه اقتصادی و اجتماعی، ارتباطات آزاد و صادقانه و حقوق شهروندی است. در دنیای امروز، تنها رهبران با هوش اخلاقی بالا می‌توانند در سازمان اعتماد و تعهد ایجاد کنند که مبنایی برای تجارت گسترده و درست است. تجربه‌های مدیران تجاری در آمریکا، ژاپن و بسیاری از مؤسسات خصوصی و شرکت‌های کارآفرینی نشان داده است که رفتار اخلاقی تنها انجام درست کار نیست، بلکه انجام کار درست است. همچنین تحقیقات انجام شده در بیش از ۱۰۰ شرکت نشان داد که هوش اخلاقی تأثیر بسیار قوی بر عملکرد مالی سازمان دارد (ترنر و بارلینگ، ۲۰۰۲).

اهداف پژوهش

این پژوهش با رویکرد علمی - دینی سعی دارد که به بررسی مقایسه‌ای ابعاد هوش اخلاقی از دیدگاه دانشمندان با قرآن کریم و ائمه معصومین(ع) بپردازد. برای رسیدن به این هدف کلی، اهداف فرعی زیر مورد نظر است:

۱. بررسی اصول هوش اخلاقی از دیدگاه بوربا؛
۲. بررسی اصول هوش اخلاقی از دیدگاه لنینک و کیل؛
۳. مقایسه اصول هوش اخلاقی از دیدگاه بوربا با دیدگاه اسلام؛
۴. مقایسه اصول هوش اخلاقی از دیدگاه لنینک و کیل با دیدگاه اسلام.

هفت اصل ضروری هوش اخلاقی

اصول هوش اخلاقی از دیدگاه بوربا (۲۰۰۵) به شرح زیر می‌باشد:

۱. هم‌دردی^۱: تشخیص احساسات و علایق افراد که شامل مراحل زیر است:
الف. پرورش آگاهی؛

ب. افزایش حساسیت نسبت به احساس‌های دیگران؛

ج. هم‌دردی با دیدگاه اشخاص دیگر.

۲. هوشیاری^۲: دانستن راه صحیح و درست و عمل در همان راه، که شامل:

الف. ایجاد زمینه‌ای برای رشد اخلاقی؛

ب. ترویج معنویت برای تقویت هوشیاری و هدایت رفتار؛

ج. پرورش انضباط اخلاقی برای کمک به افراد به منظور یادگیری درست از خلاف.

۳. خودکنترلی^۳: کنترل و تنظیم تفکرات و اعمال خود به طوری که بر هر فشار از درون و بیرون ایستادگی کنیم و در همان راهی عمل کنیم که احساس می‌کنیم درست است، که شامل:

الف. الگوسازی و اولویت‌بندی خودکنترلی افراد؛

ب. تشویق افراد به خودانگیزی؛

ج. آموزش راه‌هایی به افراد برای رویارویی با وسوسه‌ها و تفکر قبل از عمل.

۴. توجه و احترام^۴: ارزش قائل شدن برای دیگران با رفتار مؤدبانه و با ملاحظه، که شامل:

الف. انتقال معانی توجه به افراد از طریق آموزش دادن؛

ب. افزایش توجه به اقتدار و بی‌توجهی به بی‌ادبی و بی‌احترامی؛

ج. تأکید بر رفتارهای خوب، ادب و تواضع که به عنوان تعارف در نظر گرفته می‌شود.

۵. مهربانی^۵: توجه به نیازها و احساس‌های دیگران، که شامل:

الف. تدریس معنی و ارزش مهربانی؛

ب. ایجاد آستانه تحمل صفر برای زشتی و بدی؛

ج. تشویق مهربانی و خاطر نشان کردن اثرهای مثبت آن.

۶. صبر و بردباری^۶: توجه به شأن و حقوق تمام افراد حتی آنان که عقاید و رفتارشان با ما مخالف است، که شامل:

1. empathy

3. self-control

5. kindness

2. consciousness

4. respect

6. tolerance

- الف. پرورش صبر و تحمل از سنین پایین؛
 ب. القای درک تنوع و گوناگونی؛
 ج. مخالفت با کلیشه‌سازی و عدم تحمل تعصبات بی‌جهت.
 ۷. انصاف: ^۱انتخاب‌های عقلانی و عمل به شیوه منصفانه، که شامل:
 الف. رفتار با دیگران به‌طور منصفانه؛
 ب. کمک به دیگران برای داشتن رفتار منصفانه؛
 ج. تدریس روش‌هایی به افراد برای مقاومت در مقابل بی‌انصافی و بی‌عدالتی.

اصول هوش اخلاقی بوربا از دیدگاه اسلامی

۱. هوشیاری

قرآن همواره اولین توصیه به هوشیاری را به مؤمنان می‌کند که باید آماده و هوشیار باشند. برای مثال، در سوره نساء، آیه ۷۱ می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا خذوا حذرکم فانفروا ثبات او انفروا جميعاً؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید آمادگی و هوشیاری خود را حفظ کنید و سلاح جنگی را برگزید، سپس گروه گروه به صورت دسته‌جات پراکنده یا دسته‌جمعی به سوی دشمن حرکت کنید».

پیامبر(ص) می‌فرماید: «متانت، هدایت، نیکوکاری، پارسایی، کامیابی، میانه‌روی در راهپیمایی، میانه‌روی در امور زندگی، راستی، بزرگواری و شناختن دین خدا، این همه در سایه هوشیاری نصیب خردمند می‌شود؛ پس خوشا به حال آنکه بر اساس برنامه درست گام برمی‌دارد» (حرانی، ۱۳۸۵، ص ۳۱).

همچنین می‌فرماید: «ای علی! سه چیز است که اگر در کسی نباشد، کارش سرانجام نگیرد: پرهیزی که او را از مصیبت خدا بازدارد، دانشی که او را از نادانی شخص کم‌خرد برهاند و عقلی که به وسیله آن با مردم رفتار لطف‌آمیز و مدارا نماید» (همان، ص ۱۵).

امام علی(ع) خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «کاملاً هوشیار باش که هنگام پیشنهاد صلح به دشمن نزدیک نشوی و بی‌احتیاطی نکن» (همان، ص ۲۴۱).

همچنین می‌فرماید: «نامه‌های محرمانه و خصوصی خود را که در آن تدبیرها و اسرار حکومتی درج شده، به دست کسی بسپار که شخصی صاحب نظر، خیرخواه و باهوش به شمار می‌آید» (همان، ص ۲۲۹).

امام علی (ع) در خطبه همام یکی از صفات مؤمن را با هوش بودن او می‌داند: «در مدارا زیرکانه عمل می‌کند» (همان، ص ۲۶۷).
 از امام حسن (ع) سؤال شد که دورانیشی چیست؟ فرمود: «صبر طولانی و مدارا با کارگزاران و هوشیاری نسبت به تمام (ترفندهای) مردم» (همان، ص ۳۹۱).

۲. هم‌دردی

امام علی (ع) در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه خطاب به مالک می‌فرماید:
 «پس باید دوست داشتنی‌ترین اندوخته‌ها در نزد تو اندوخته کار نیک باشد که مقصود از آن فراهم آوردن رعیت و رعایت آنهاست» (همان، ص ۲۰۷).
 «پس همت خود را از رسیدگی به نیازهای‌شان دریغ مدار» (همان، ص ۲۳۳).
 «پس از حقوق آنان (طبقه فرودستان) پاسداری کن و سهمی از غلات املاک خالصه اسلام را در هر شهری به آنان اختصاص ده، آنچه بر عهده تو نهاده‌اند، رعایت حق ایشان است، مبدا توجه به امور دیگر از پرداختن به آنان بازت دارد» (همان، ص ۲۳۳).
 «و با ناتوانان فروتنی در پیش گیر و به آنان نشان بده که در این کار به آنها نیازمندی و کارهای کسانی را که به تو دسترسی ندارند و در دیده‌ها خوارند و مورد تحقیر دولتمردانند، خود دلجویانه مورد رسیدگی قرار ده» (همان، ص ۲۳۳).
 «یتیمان را نوازش کن و زمین‌گیرشدگان و سالخورده‌گان را دلجویی نما» (همان، ص ۲۳۵).
 «بخشی از وقت خود را به کسانی اختصاص ده که به تو نیاز دارند و در آن وقت اختصاصی، خودت فارغ از هر کاری به امور آنان پرداز» (همان، ص ۲۳۵).
 «به هر حال، نباید دوری تو از مردم به درازا بکشد؛ زیرا فاصله گرفتن و دور شدن زمامداران از مردم، خود یک نوع عدم همدلی نسبت به آنان و کم‌اطلاعی از کارهاست» (همان، ص ۲۳۹).
 «پس طبقه پایین، یعنی نیازمندان و درماندگانند که سزاوار است زمامدار آنان را به بخشش خود بنوازد و یاریشان نماید» (همان، ص ۲۱۷).
 امام علی (ع) نیز در سخنانی می‌فرماید:
 «احسان و کمک به بندگان خدا توشه مناسبی برای آخرت است» (آمدی، ۱۳۳۷، ج ۶، حدیث ۹۹۱۲، ص ۱۶۱).
 «کمک به مردم بخش مهمی از ایمان است» (همان، ج ۴، حدیث ۵۲۵۳، ص ۵۲).

۳. خودکنترلی

خودکنترلی در قرآن بیشتر با واژه تقوی و خودداری از هوای نفس مطرح شده است. برای مثال، در سوره‌های زیر:

«تعاونوا علی البر و التقوی و لاتعاونوا علی الاثم و العدوان و اتقوا الله ان الله شدید العقاب؛ در نیکوکاری و پرهیزکاری با یکدیگر همکاری کنید و در گناه و تعدی همکاری نکنید و از خدا پروا کنید که سخت کیفر است» (مائده، ۲).

«تزدودوا فإن خیر زاد التقوی؛ زاد و توشه بگیرید که بهترین توشه، تقوی است» (بقره، ۱۹۷).

«ادفع بالتی هی احسن السیئة نحن اعلم بما یصنعون؛ ای رسول ما! تو آزار و بدی‌های امت را به آنچه نیکوتر است، دفع کن. ما جزای گفتار آنها را بهتر می‌دانیم» (مؤمنون، ۹۶).

دستاوردهای خویشنداری (خودکنترلی) از منظر پیامبر(ص) موارد زیر است:

«دستاوردهای خویشنداری (خودکنترلی)، خیراندیشی، فروتنی، پرهیزکاری، توبه، فهم، ادب، نیکی کردن، دوست‌یابی، خردمندی و خوش برخوردی است. این همه در سایه خویشنداری نصیب خردمند می‌شود. پس خوشا بر آنکه او را مولایش به خویشنداری گرامی داشت» (حرانی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۰).

امام علی(ع) خطاب به مالک اشتر، هنگامی که او را به فرمانروایی مصر و توابع آن گماشت، فرمود:

«او را امر می‌نمایم به تقوای الهی و مقدم داشتن طاعت خدا بر دیگر کارها» (همان، ص ۲۰۷).

«او را می‌فرماید که نفس خویش را در برابر شهوت‌ها فرو نشاند، زیرا نفس همواره به بدی امر می‌کند» (همان، ص ۲۰۷).

«بپرهیز از شتاب در کارهایی که زمان انجام دادن آنها نرسیده» (همان، ص ۲۴۳).

«بر سر هر یک از کارهایت از میان آنان رئیسی برگمار، کسی که کارهای بزرگ مغلوبش نسازد و تراکم آنها پریشان‌ش ننماید» (همان، ص ۲۳۱).

«باد دماغت را فرو نشان و هنگام تندخویی و قدرت‌نمایی بر خود مسلط باش و تیزی زبانت را در اختیار خود گیر و از این همه با خویشنداری از خشم و به تأخیر افکندن اقدام خشونت‌آمیز به دور باش و چون زمینه خشم و خشونت فراهم شد، چشم به آسمان بردار تا خشمت فرو نشیند و عنان اختیار به دست آید» (همان، ص ۲۴۵).

امام علی (ع) خطاب به محمد بن ابی بکر هنگامی که او را به فرمانروایی مصر گماشت، فرمود:

«بر تو باد رعایت تقوای الهی در همه حالات خود، ایستادن و نشستن و در نهان و عیان» (همان، ص ۲۹۵).

«پس موظف هستی که با نفس خود مخالفت ورزی و برای دین خود برحذر باشی» (همان، ص ۲۹۹).

«تا راه چاره‌ای داری، به تندی و خشونت مشتاب و مگوی که من را بر شما امیر ساخته‌اند و باید فرمان من اطاعت شود» (همان، ص ۲۰۹).

«پس زمام هوای نفس خود را فرو گیر و بر نفس خود بخیل باش، در آنچه برای او روا نیست» (همان، ص ۲۰۷).

«هیچ پارسایی چون خودداری کردن نیست و هیچ بردباری، چون شکیبایی و خموشی نیست» (همان، ص ۱۵۱).

«معیار دینداری مخالفت با هوای نفس است» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۷، ج ۱۰، باب ۴۰۴۱، حدیث ۲۱۱۳۵، ص ۳۸۲).

«نه خشمگین شوید و نه خشمگین سازید، سلام را آشکار نمایید و سخن پاک بر زبان رانید» (حرانی، ۱۳۸۵، ص ۳۴۵).

«رحمت خدا بر انسانی که بر هوای نفس پیروز گردد و از دام‌های دنیا خویش را نجات دهد» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۷، ج ۱۰، باب ۴۰۴۲، حدیث ۲۱۱۵۷، ص ۳۸۴).

«اگر نفس سرکش در طلب چیزی ناخوشایند برآید، او با خواهش‌های نفس سخت مخالفت ورزد تا نفس مطیع عقل گردد» (خطبه همام، ص ۲۳۹).

امام باقر (ع) فرمود: «آگاه شو که به تحقیق هیچ دانشی چون سلامت جویی نیست، نه سلامتی همچون سلامت دل و نه خردی همچون مخالفت با نفس» (حرانی، ۱۳۸۵، ص ۵۰۵).

۴. توجه و احترام

در قرآن به احترام بسیار سفارش شده است، خصوصاً در درجه اول احترام به شخص پیامبر اکرم (ص) و پس از آن در برخورد با مردم دیگر:

«لا ترفعوا اصواتکم فوق صوت النبی؛ صداهايتان را بالای صدای پیامبر نکنید (یعنی ادب و احترام بگذارید)» (حجرات، ۱).

«انما المومنون إخوة فاصلحوا بین اخویکم و اتقوا الله لعلکم ترحمون؛ به حقیقت مؤمنان برادر یکدیگرند، پس همیشه بین برادران ایمانی خود صلح دهید و خدا ترس و پرهیزکار باشید، باشد که مورد لطف و رحمت الهی گردید» (حجرات، ۱۰).

«یا ایها الذین آمنوا لایسخر قوم من قوم عسی ان یکونوا خیرا منهم و لانساء من نساء عسی ان ینکن خیرا منهن و لاتلمزوا انفسکم و لاتتأزروا باللقاب بیس الاسم الفسوق بعد الایمان و من لم یتب فاولئک هم الظالمون؛ ای اهل ایمان و مومنان! هرگز نباید قومی قوم دیگر را مسخره و استهزاء کند، شاید آن قوم که مسخره می‌کنید، بهترین مؤمنین باشند و نیز بین زنان با ایمان قومی دیگر را مسخره نکنید که بسا آن قوم بهترین آن زنانند و هرگز عیب‌جویی از هم‌دینان خود مکنید و به نام و لقب‌های زشت یکدیگر را مخوانید که پس از ایمان به خدا نام فسق بر مؤمنان نهادن بسیار زشت است و هر که از فسق و گناه به درگاه خدا توبه نکند، بسیار ظالم و ستمکار است» (حجرات، ۱۱).

«یا ایها الذین امنوا اجتنبوا کثیرا من الظن ان بعض الظن اثم و لاتجسسوا و لایغتب بعضکم بعضا ایحب احدکم ان یاکل لحم اخیه میتا فکرتهموه و اتقوا الله ان الله تواب رحیم؛ ای اهل ایمان! از بسیار پندارها در حق یکدیگر اجتناب کنید که برخی ظن و پندارها معصیت است و هرگز از حال درونی هم تجسس مکنید و غیبت یکدیگر را روا مدارید. آیا شما دوست می‌دارید که گوشت برادر مرده خود را خورید، البته کراهت و نفرت از آن دارید. پس بدانید که مثل غیبت مؤمن به حقیقت همین است و از خدا بترسید و توبه کنید که خدا بسیار توبه‌پذیر و مهربان است» (حجرات، ۱۲).

«لا یحب الله الجهر بالسوء من القول؛ خداوند دوست نمی‌دارد که کسی با گفتار زشت به عیب خلق صدا بلند کند» (نساء، ۱۴۸).

«و اذا حییتم بتحیة فحیوا بأحسن منها؛ هر گاه کسی شما را ستایش کرد، شما نیز در مقابل به ستایش بهتر از آن یا مانند آن پاسخ دهید» (نساء، ۸۶).

امام علی(ع) خطاب به مالک اشتر فرمودند:

«پس به بازرگانان و پیشه‌وران توجه کن و کارگزارانت را به نیکی کردن به آنان سفارش کن» (حرانی، ۱۳۸۵، ص ۲۳۱).

«اگر مردم از تو کمکی برای به‌سازی امور خود با سرمایه خویش درخواست نمودند، به آنها کمک کن، زیرا این کمک تو سرانجام خوبی دارد» (همان، ص ۲۲۹).

«توجه کامل به توسعه زندگی و رفاه آنان (سرداران سپاهت) داشته باش» (همان، ص ۲۱۹).

«به بازرگانان احترام گذار» (همان، ص ۲۳۳).
 «باید دورترین افراد رعیت از تو و منفورترین آنان در نزد تو کسی باشد که بیش از دیگران عیب مردم را می‌جوید» (همان، ص ۲۱۱).

۵. مهربانی

قبل از هر چیز از گنجینه غنی و هدایت‌گر قرآن کریم بهره‌مند می‌شویم:
 «قولوا للناس حسناً؛ با مردم به نیکی صحبت کنید» (بقره، ۸۳).
 «و بالوالدین احساناً؛ به پدر و مادر احسان کنید» (نساء، ۳۶).
 «فقولوا له قولاً لیناً؛ [خطاب به موسی و هارون:] با او (فرعون) با نرمی سخن گوید».
 «و ليقولوا قولاً سديداً؛ و با صلاح و درستی سخن گویند» (نساء، ۹).
 «قولوا قولاً معروفاً؛ به گفتارخوش آنها را خردسند کنید» (نساء، ۵ و ۸).
 «لقد جاءكم رسول من انفسكم عزيز عليه ما عنتم حريص عليكم بالمؤمنين رؤوف رحيم؛ پیامبری از خودتان به سوی شما آمد که رنج‌های شما برای او گران، به سعادت شما علاقه‌مند و با مؤمنان رؤوف و مهربان است» (توبه، ۱۲۸).
 «و اخفض لهما جناح الذل من الرحمة؛ چون کبوتری بال‌های فروتنی و مهربانی را در مقابل پدر و مادر بگستران» (اسراء، ۲۴).
 «و الذين معه اشداء على الكفار رحماء بينهم؛ یاران پیامبر بر کافران بسیار قوی دل و سخت و با یکدیگر بسیار مشفق و مهربانند» (فتح، ۲۹).
 «و اخفض جناحك لمن اتبعك من المؤمنين؛ برای مؤمنانی که از تو پیروی کرده‌اند، پر و بال مرحمت بگستران» (شعراء، ۲۱۵).
 «فبما رحمة من الله لنت لهم و لو كنت فظاً غليظاً لانفضوا من مولك فاعف عنهم و استغفر لهم و شاورهم في الامر فاذا عزمتم فتوكل على الله ان الله يحب المتوكلين؛ پس ای پیامبر! مهربانی و نرم‌خویی تو نشانه‌ای از رحمت الهی می‌باشد که به این وسیله می‌توانید (در دعوت به حق موفق باشید) و بدان ای پیامبر! اگر تو خشن و سنگدل بودی هر آینه از اطراف تو متفرق می‌شدند (و تو ناموفق می‌شدی) (آل عمران، ۱۵۹).
 هم چنان که می‌بینیم ائمه معصومین - سلام الله علیهم - نیز در این مورد سخنان گهرباری فرموده‌اند، از آن جمله پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:
 «خوب پرسیدن نیمی از دانش و نرم‌رفتاری نیمی از زندگی خوش است» (حرانی، ۱۳۸۵، ص ۹۵).

«مؤمن خوش برخورد و بزرگووار است و منافق اخمو و خشم‌جوست» (همان، ص ۹۳).

«علم و دانش، دوست مؤمن؛ بردباری، وزیرش؛ عقل، راهنمایش؛ کردار، سرپرستش؛ نرم رفتاری، پدرش و نیکویی برادرش است» (همان، ص ۹۱).

«اگر کسی به شما نیکی کرد، به همان میزان به او نیکی کنید، پس اگر راهی برای جبران نیکی‌ها نیفتید، از او تمجید کنید که همین تمجید پاداش اوست» (همان، ص ۸۳).

«به همدیگر دست دهید که دست دادن کینه را از میان می‌برد» (همان، ص ۹۳).

امام علی(ع) خطاب به مالک می‌فرماید:

«مهربانی به مردم و دوست داشتن آنها و لطف در حق ایشان را شعار دل خود ساز» (همان، ص ۲۰۷).

«بدان بهترین چیزی که مایه خوش بینی مردم نسبت به زمامدار می‌شود، نیکی کردن زمامدار در حق مردم است و کاستن از بار هزینه‌های آنان و کم آزدن مردم در اموری که زمامدار حقی در آنها ندارد» (همان، ص ۲۱۳).

«اگر یکی از رزمندگان و گروه ضربتی تو در پیکار با دشمن تو به شهادت نائل آمد، در خانواده‌اش به مانند یک وصی مهربان و مورد اطمینان جانشین او باش» (همان، ص ۲۲۱).

«هنگام گفتگو و رویارویی با ایشان (سپاهیان و یاران) نرم گفتار و نرم رفتار باش» (همان، ص ۲۳۵).

«باید گرامی‌ترین یاوران در نزد تو آن کسی باشد که نرم‌خوتر و خوش‌برخوردتر است و با ناتوانان مهربان‌تر رفتار می‌کند» (همان).

«پس به آنان (کارکنان دبیرخانه) بفرمای که خوب کار کنند و با مردم به نرمی سخن گویند» (همان، ص ۲۲۹).

«و آن را با خوش رفتاری و عنایت و لطوفت خود به آنان (سرداران سپاه) ثابت نما، زیرا مهربانی تو به آنان دل‌هایشان را به تو مهربان می‌کند» (همان، ص ۲۱۹).

«با بذل و بخشش به رادمردان، خیرخواهی خود را به آنان ثابت کن و یکایک ایشان را به نیکی بستای و با لطف و محبت از تک تک آنان احوال‌پرسی نمای و دلاوری‌هایی را که در میدان‌های جنگ از خود بروز داده را فراوان تعریف کن» (همان، ص ۲۱۹).

امام علی(ع) خطاب به محمد بن ابی بکر می‌فرماید:

«و چون میان مردم به داوری پرداختی، با آنان فروتن، نرم‌خوی و گشاده‌رو باش» (همان، ص ۲۹۵).

«جان و مال خود را به برادرت نثار کن و عدل و انصافت را به دشمنت ارزانی نما و همگان را از خوشرویی و نیکی خود برخوردار ساز و بر مردم سلام کن تا بر تو سلام نمایند» (همان، ص ۳۶۱).

اکنون به سراغ رساله حقوق امام سجاده (ع) می‌رویم و از ایشان در مورد برخورد با عموم بهره می‌گیریم.

امام سجاده (ع) می‌فرماید: «اما حق عموم هم‌کیشان تو خوش بینشی و مهربانی شامل همگان و نرم رفتاری با بدرفتاران است» (همان، ص ۴۷۳).

امام رضا (ع) می‌فرماید:

«مؤمن نباشد تا آنگاه که سه ویژگی در او باشد: سنتی از پروردگارش، سنتی از پیامبر و سنتی از امامش. اما سنت از پروردگارش رازداری است و اما سنت از پیامبرش نرم رفتاری با مردم است و اما سنت از امامش شکیب‌ورزی در تنگنایی و تهیدستی است» (همان، ص ۸۰۳).

«مهربانی با مردم نیمی از خرد است» (همان، ص ۸۰۵).

«و اما دین آنان پارسایی، پاکدامنی، راستی، درستی، تلاشگری، بازپردازی امانت به نیکوکار بزهکار، نیک معاشرتی، خوش همسایگی، نیکوکاری، خودداری از آزار رسانی، گشادگی چهره، خیرخواهی و مهرورزی با مؤمنان است» (همان، ص ۷۵۷ و ۷۵۹).

۶. صبر و بردباری

واژه صبر در قرآن در بسیاری از آیات مطرح شده و در مورد تبلیغ دین بیشتر به صبر سفارش شده است.

«یا ایها الذین آمنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در کار دین صبور باشید و یکدیگر را به صبر سفارش کنید و همواره مراقب دشمن باشید و تقوای الهی پیشه کنید» (آل عمران، ۲۰۰).

«فاصبر کما صبر اولو العزم من الرسل و لاتستعجل لهم؛ صبر کن مانند پیامبران اولوالعزم در تبلیغ دین صبور باش و برایشان به عذاب تعجیل مکن» (احقاف، ۳۵).

«و اصبر علی ما اصابک ان ذلک من عزم الامور؛ صبر کن که این صبر و تحمل در راه تربیت و هدایت خلق، نشانه‌ای از عزم ثابت در امور عالم است» (لقمان، ۱۷).

«فاستقم كما امرت و من تاب معك و لاتطغوا انه بما تعملون بصير؛ استقامت كن، همان گونه كه به تو دستور داده شد و با كسانی را كه با توبه سوی خدا رو کرده‌اند، طغیان نكنید؛ چرا كه خدا از اعمال شما آگاه است» (هود، ۱۲).

«و امر بالمعروف و انه عن المنكر و اصبر على ما اصابك ان ذلك من عزم الامور؛ و خود را از كار ناپسند باز دار و بر آسیبی كه بر تو وارد آمده است، شكیبا باش. این حاکی از عزم و اراده تو در امور است» (لقمان، ۱۷).

«و اصبر فإن الله لا یضیع اجر المحسنین؛ صبر كن كه خدا اجر نیکوکاران را ضایع نمی‌کند» (هود، ۱۱۵).

پیامبر(ص) خطاب به اصحاب خود می‌فرماید: «آیا شما را آگاه نسازم كه کدام‌یک از شما از نظر اخلاقی بیشتر به من شباهت دارید؟ گفتند: بله، یا رسول الله! فرمود: خوش اخلاق‌ترین، بردبارترین و در حق خویشان نیکوکارترین شما و کسی كه در خشنودی و خشم از طرف خود بیشتر عدل و انصاف را رعایت نمایند» (حرانی، ۱۳۸۵، ص ۸۳).

امام علی(ع) خطاب به محمد بن ابی بكر می‌فرماید: «برای رسیدن به حق در گرداب‌ها اندر شو، مشکلات را با جان و دل بپذیر» (همان، ص ۳۰۱).

امام علی(ع) در خطاب به مالک می‌فرماید:

«اجرای حق را درباره هر كه باشد، چه خویش و چه بیگانه، لازم بدار و در این كار شكیبايي پیشه كن و این شكیبايي را به حساب خدا بگذار» (همان، ص ۲۳۹).

«شكیبايي تو در برابر دشواری كه امید به گشایش آن بسته‌ای و نيك فرجامی آن را انتظار داری، بهتر از پیمان گسستن است كه از پیامدهای آن بترسی و گرفتار بازخواست الهی گردی» (همان، ص ۲۴۱).

«و زمامدار از عهده آنچه خدا بر او مقدر داشته، بر نیاید مگر شكیبايي در كارها پیشه كردن، خواه بر او دشوار آید یا آسان نماید» (همان، ص ۲۱۵).

از حضرت علی(ع) در مورد صبر نیز سخنان گهرباری مطرح است كه به عنوان نمونه، به چند حدیث اشاره می‌کنیم:

«سه چیز از درهای نیکوکاری محسوب می‌شود: سخاوت نفس، خوش‌زبانی و صبر در نامالیمات» (الحسنی البیرجندی، ۱۳۷۹، ج ۶۸، ص ۱۸۹).

«عقل، دوست صمیمی مؤمن، بردباری، وزیرش نرم رفتاری، پدرش و خوش‌خویی، برادرش است» (حرانی، ۱۳۸۵، ص ۳۴۳).

«شکیبایی کلید در یافتن است و کامیابی در اثر شکیبایی است» (همان، ص ۳۵۳).
 «حق خدا به هنگام سختی اظهار رضایت و شکیبایی است و حق او به هنگام راحتی ستایش و سپاس‌گزاری است» (همان).

«صبر سه گونه است: صبر در راه طاعت، صبر بر مصیبت و صبر در پرهیز از گناه» (همان، ص ۳۴۹).

همچنین ایشان در خطبه وسیله می‌فرماید:
 «هیچ پارسایی چون خودداری کردن نیست و هیچ بردباری چون شکیبایی و خموشی نیست» (همان، ص ۱۵۱).

«ای مردم! بر شما باد بردباری؛ زیرا دین ندارد، آنکه صبر ندارد» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۷، ص ۱۰۰۶۷).

«صبر کلید رسیدن به هدف است و موفقیت، عاقبت کسی است که صبوری کند» (همان، ص ۱۰۰۷۷).

«شکیبایی نسبت به ایمان، چون سر است نسبت به تن» (حرانی، ۱۳۸۵، ص ۳۴۱).
 «مؤمن در مقابل حوادث سخت و تکان‌دهنده ثابت و استوار و به هنگام ناخوشایندها محکم و پابرجاست. در برابر بلاها صبور و پر تحمل، در مقابل نعمت‌ها شاکر و به آنچه خداوند روزی‌اش ساخته قانع است. مؤمن به دشمنانش نیز تعدی نمی‌کند و بار خود را بردوش دوستانش نمی‌گذارد، مردم از او در آرامش هستند، هر چند جان و تنش در زحمت باشد» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۷، ج ۱، باب ۲۹۱، حدیث ۱۴۰۸، ص ۳۳۲).

امام صادق (ع) می‌فرماید: «بر نعمت مورد علاقه جز با سپاس‌داری افزوده نگردد و از سختی جز با شکیبایی کم نگردد» (حرانی، ۱۳۸۵، ص ۶۶۱).
 امام رضا (ع) نیز می‌فرماید:

«مؤمن نباشد تا آنگاه که سه ویژگی در او باشد: سنتی از پروردگارش، سنتی از پیامبر و سنتی از امامش. اما سنت از پروردگارش رازداری است و اما سنت از پیامبرش نرم رفتاری با مردم است و اما سنت از امامش شکیبایی در تنگنایی و تهیدستی است» (همان، ص ۸۰۳).

«هیچ انسانی طعم ایمان را نمی‌چشد، مگر اینکه دارای سه خصلت باشد: ۱. آگاهی در دین؛ ۲. صبر در مصیبت‌ها؛ ۳. اندازه‌گیری در مخارج» (الحسنی البیرجندی، ۱۳۷۹، ج ۶۸، ص ۸۵).

۷. انصاف

پیامبر(ص) می‌فرماید:

«ای علی! سرآمد اعمال سه خصلت است: ۱. از جانب خود درباره دیگران انصاف دادن؛ ۲. مال را با برادران ایمانی در میان نهادن؛ ۳. همیشه در همه حال به یاد خدا بودن» (حرانی، ۱۳۸۵، ص ۱۵).

«آیا شما را آگاه نسازم که کدام یک از شما از نظر اخلاقی بیشتر به من شباهت دارید؟ گفتند: بله، یا رسول الله! حضرت فرمود: خوش اخلاق‌ترین، بردبارترین و در حق خویشان نیکوکارترین شما و کسی که در خشنودی و خشم از طرف خود بیشتر عدل و انصاف را رعایت نمایند» (همان، ص ۸۳).

امام علی(ع) خطاب به مالک می‌فرماید:

«مبادا نسبت به مردم چونان حیوان درنده‌ای باشی که خوردنشان را غنیمت شماری؛ زیرا آنان دو دسته‌اند: یا به دین تو برادرند و یا به آفرینش با تو برابرند» (همان، ص ۲۰۸ و ۲۰۹).

«مبادا افراد خوش کردار و بدکردار به نزد تو برابر باشند که این باعث دل‌سردی خوش کردار از نیکوکاری و دل‌گرمی بدکردار از بدکاری گردد» (همان، ص ۲۱۳).

«حق مردم را از جانب خود و اطرافیان مخصوص و خویشاوندان نزدیک و آن کس را که از رعیت خویش دوست می‌داری، به انصاف رعایت نمای» (همان، ص ۲۰۹).

«باید که دوست داشتنی‌ترین کارها در نزد تو کارهایی باشد که با میانه‌روی سازگارتر و در دادگری دمسازتر است» (همان، ص ۲۱۱).

«هنگامی که کارها برای داوری و صدور حکم به تو عرضه می‌شود، عدالت را مراعات کن» (همان، ص ۲۳۹).

«برترین شادمانی زمامداران بر پای داشتن عدل و داد در شهرها است» (همان، ص ۲۱۹).
«پس مقدار رنج و زحمت هر یک را در نظر دار تا رنجی را یکی تحمل کرده، به حساب دیگری نگذاری و در پاداش و مزد دادن به کار کسی کوتاهی مکن و به هر کس به اندازه رنجی که کشیده پاداش ادا کن و مورد تشویق و تقدیر مخصوص قرارش ده» (همان، ص ۲۲۱).

از دستورات امام علی - علیه السلام - به حاکم مصر، محمد بن ابی بکر است که:
«نگاه و نگرش تو به همه آنان یکسان باشد، تا بزرگان در تو طمع ستم بر ناتوانان نبندند و ناتوانان از عدالت تو مأیوس نشوند» (همان، ص ۲۹۵).

«بر ستمکار سخت بگیر و دست او را ببند و اهل خیر را مشمول لطف خود کن و آنان را به خود نزدیک ساز» (همان، ص ۲۹۹).

«او را دستور داد که در میان مردم عادلانه حکم نماید و عدل و داد را برقرار سازد» (همان، ص ۲۹۵).

به‌طور کلی، در دو سخن زیر از امام علی (ع) که یکی خطاب به مالک اشتر و دیگری خطاب به محمد بن ابی بکر است، می‌توان گزیده‌ای از اصول هوش اخلاقی، شامل: صبر، هوشیاری، خودکنترلی، مهربانی و انصاف را ملاحظه کرد:

«آنگاه از لشکریان خود آن کس را به فرماندهی برگمار که در نظرت در حق خدا و پیامبر و امام تو خیرخواه‌تر، پاکدامن‌تر، بردبارتر، داناتر و باتدبیرتر باشد، کسی که دیر خشمناک شود و زود به پذیرفتن پوزش گراید و به ناتوانان مهر ورزد و بر زورمندان سخت‌گیری نماید» (همان، ص ۲۱۹).

اصول خودکنترلی، مهربانی، انصاف، بخشش و توجه و احترام در خطاب به حاکم مصر محمد بن ابی بکر این چنین آمده است:

«تقوای الهی را رعایت کند، با مسلمانان به نرمی برخورد نماید، با ستمدیده به انصاف برخورد کند و مردم را مورد بخشش قرار دهد تا می‌تواند احسان کند و خداوند به احسان‌کنندگان پاداش دهد. او را دستور داد که با آنان نرم رفتاری کند و در مجلس خود همه را یکسان مورد محبت و احترام قرار دهد، به‌طوری که دور و نزدیک را در حق برابر شمارد» (همان، ص ۲۹۵).

اصول هوش اخلاقی در مدیریت

لنیک و کیل^۱ (۲۰۰۵) هوش اخلاقی را توانایی تشخیص درست از اشتباه می‌دانند که با اصول جهانی سازگار است. به نظر آنان، چهار اصل هوش اخلاقی زیر برای موفقیت مداوم سازمانی و شخصی ضروری است:

۱. درستکاری^۲: یعنی ایجاد هماهنگی بین آنچه که به آن معتقدیم و آنچه که به آن عمل می‌کنیم. انجام آنچه که می‌دانیم درست است و گفتن حرف راست در تمام زمان‌ها. کسی که هوش اخلاقی بالایی دارد، به شیوه‌ای عمل می‌کند که با اصول و عقایدش سازگار باشد.

1. Lennick & Kiel

2. integrity

۲. مسئولیت‌پذیری: ^۱ کسی که هوش اخلاقی بالایی دارد، مسئولیت اعمال خود و پیامدهای آن، همچنین اشتباه‌ها و شکست‌های خود را نیز می‌پذیرد.
۳. دل‌سوزی: ^۲ توجه به دیگران که دارای تأثیر متقابل است. اگر نسبت به دیگران مهربان و دل‌سوز باشیم، آنان نیز در وقت نیاز با ما هم‌دردی می‌کنند.
۴. بخشش: ^۳ آگاهی از عیوب خود و تحمل اشتباه‌های دیگران.

مؤلفه‌های هوش اخلاقی لنیک و کیل از دیدگاه قرآن کریم و ائمه معصومین(ع)

۱. درست‌کاری

درست‌کاری یا عمل صالح، میوه درخت ایمان است. و هر جا در قرآن به ایمان اشاره شده، عمل صالح نیز به دنبال آن آمده و این نشانگر آن است که ایمان بدون عمل صالح ممکن نیست. عمل صالح آثار بسیاری به دنبال دارد که در چندین آیه مطرح شده است: «یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و کونوا مع الصادقین؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا پروا کنید و با راست‌گویان باشید» (توبه، ۹).

«و اما من آمن و عمل صالحاً فله جزاء الحسنی و سنقول له من امرنا یسراً؛ و اما هر کس به خدا ایمان آورد و کار شایسته (درست) انجام دهد، نیکوترین اجر را خواهد یافت و ما امر را بر او سهل و آسان می‌گیریم (وسایل آسایش او را فراهم می‌سازیم)» (کهف، ۸۸). «و الذین آمنوا و عملوا الصالحات اولئک اصحاب الجنة هم فیها خالدون؛ و کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، اهل بهشت هستند و در آن جاودانه خواهند بود» (بقره، ۸۲).

همچنین درست‌کاری باعث عدم حزن و اندوه است.

«بلی من اسلم وجهه لله و هو محسن فله اجره عند ربه و لا خوف علیهم و لا هم یحزنون؛ آری، کسی که از دو جهت تسلیم حکم خدا شد و نیکوکار گشت، مسلم اجرش نزد خدا بزرگ خواهد بود. او را هیچ خوفی و حزن و اندوهی نخواهد بود» (بقره، ۱۲۲).

«و من تطوع خیراً فإن الله شاکر علیم؛ و هرکس به راه خیر و نیکی شتابد، خدا پاداشی به وی خواهد داد، همانا خدا قدردان و آگاه است» (بقره، ۱۵۸).

«من یعمل من الصالحات و هو مؤمن فلا کفران سعبه و انا له کاتبون؛ هر که کار شایسته

1. responsibility
2. compassion
3. forgiveness

انجام دهد و مؤمن باشد، برای تلاش او ناسپاسی نخواهد بود و ماییم که به سود او ثبت می‌کنیم» (انبیاء، ۹۴).

پیامبر (ص) می‌فرماید: «ای علی! اگر چهار خصوصیت در کسی باشد، اسلام او کامل است: راست‌گویی؛ سپاس‌گزاری؛ شرم‌ساری و خوش‌اخلاقی» (حرانی، ۱۳۸۵، ص ۱۹).
امام علی (ع) خطاب به مالک می‌فرماید:

«برترین شادمانی زمامداران پیدایش درستی بین مردم است» (همان، ص ۲۱۹).

«به پارسایان، راست‌گویان، مردم خردمند و خانواده‌دار بیوند» (همان، ص ۲۱۳).

«پس اعمالی که سبب تقرب تو به خدا و جلب کرم او می‌شود، فراوان انجام ده و واجبات

الهی را کامل و بی‌کم و کاست ادا کن، هر چند سبب فرسودن تن تو گردد» (همان، ص ۲۳۷).

امام علی (ع) خطاب به محمد بن ابی بکر می‌فرماید:

«ای محمد بن ابی بکر! بدان که بهترین فهم دین، پارسایی در دین خدا و عمل به

دستور اوست» (همان، ص ۳۰۱).

«از خدا بترس و در راه خدا از کسی مترس» (همان).

«در کار خداپسندان خود را استوار دار» (همان).

۲. مسئولیت‌پذیری

در قرآن در مورد واژه مسئولیت‌پذیری، آیات زیر مطرح است. اولاً قرآن سفارش می‌کند که شما مسئول خانواده خود هستید.

«قوا انفسکم و اهلیکم ناراً؛ خودتان و خانوادتان را از آتش نگه دارید» (تحریم، ۶۶).

«وقفوهم انهم مسئولون؛ نگه‌شان دارید، آنها مسئولند» (صافات، ۳۷).

دوماً امر به معروف و نهی از منکر، یکی از مصادیق مسئولیت‌پذیری فرد است که

فرد باید نسبت به جامعه مسئول باشد.

«ولتکن منکم امة یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و اولئک هم

المفلحون؛ و باید از میان شما مؤمنان، گروهی باشند که مردم را به کارهای خیر دعوت

می‌کنند و امر به معرف و نهی از منکر کنند و آنها رستگارانند» (آل عمران، ۱۰۴).

«یا ایها الذین آمنوا أوفوا بالعقود؛ ای مؤمنان! وفای به عهد کنید» (مائده، ۱).

امام علی (ع) در خطاب به مالک می‌فرماید:

«پس حالات نهانی آنان (رؤسا) را واری کن، به پیام‌ها و نامه‌های ارسالی آنان که

توسط پیک به دست تو می‌رسد، رسیدگی کن» (حرانی، ۱۳۸۵، ص ۲۳۱).

«پس به کار آنان (بازرگانان) نظارت کن، خواه در اقامتگاه تو باشند و خواه در شهرهای دیگر تو» (همان، ص ۲۳۳).

«اگر میان تو و دشمنت قضیه‌ای رخ داد که به خاطر آن پیمان صلح بستی یا تعهدی را بر عهده گرفتی، به پیمان خویش وفا کن و تعهد خود را رعایت‌نما و خود را چون سپری در برابر پیمانت ساز» (همان، ص ۲۴۱).

«مبادا به مردم وعده‌ای دهی و پایبند آن نباشی یا خشونت‌آمیز با مردم سخن گویی، زیرا خلف وعده خشم خدا را بر انگیزاند» (همان، ص ۲۴۳).

«پس هرگز در آنچه بر عهده گرفتی، خیانت مکن و پیمان خود را مشکن» (همان، ص ۲۴۱).

«پس کارهایی است که ناچاری خود آنها را انجام دهی، از آن جمله پاسخ دادن به کارگزارانت است، آنجا که منشیان و نویسندگان درمانند. دیگری، برآورده ساختن حاجات مردم است، هنگامی که آن را به تو حکایت نمایند. یکی دیگر از آنها آگاهی از بودجه‌ای است که به منشیان و خزانه‌داران می‌رسد. در این موارد، سستی به خود راه مده و تأخیر روا مدار و برای هر یک از این امور سرپرستی قرار ده تا بر آنها آنچنان نظارت نماید که تو آسوده خاطر شوی (همان، ص ۲۳۷).

«پس مالیات و خراج‌دهندگان همه شهرهایت را نزد خود گردآور و امر کن تا از وضعیت سرزمین خود و راهکارهای بهبود و گشایش کارشان به تو اطلاع‌رسانی نمایند. پس از کارشناسان نیز در آن باره گزارش بخواه» (همان، ص ۲۲۷).

«راه‌های بهبود حال پرداخت‌کنندگان خراج را با علاقه رسیدگی کن» (همان، ص ۲۲۷).

«پس در کار نویسندگان و منشیان نظر کن و حال هر کدام از ایشان را به دست آور که چه نیازمندی‌هایی دارند و برای هر یک از آنها جایگاه و رتبه‌ای در نظر بگیر» (همان، ص ۲۲۹).

«پس در کار اعضای دبیرخانه نظر کن و از احوال نامه‌نگاران و منشیان آن شناخت کافی به دست بیاور که چه نیازمندی‌هایی دارند» (همان).

«پس بر کارهای آنان مراقبت دار و بازرسان مخفی از مردم راست‌گوی و وفادار به خود برایشان گمار» (همان، ص ۲۲۷).

۳. دل‌سوزی

ابلاغ وحی یکی از مصادیق دل‌سوزی پیامبر اکرم(ص) است که برای امت خود چقدر دل‌سوزانه تبلیغ دینی کرده‌اند.

«یا قوم لقد ابلغتکم رسالۃ ربی و نصحت لکم و لکن لاتحبون الناصحین؛ ای مردم! من رسالتی را که از جانب خدا بر عهده داشتم، ابلاغ کردم و شما را پند دادم، ولی شما ناصحان را دوست نمی‌دارید» (اعراف، ۷۹).

«لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیہ ما عنتم حریص علیکم بالمومنین رؤوف رحیم؛ پیامبر از خودتان به سوی شما آمد که رنج‌های شما برای او گران، به سعادت شما علاقه‌مند و با مؤمنان رؤوف و مهربان است» (توبه، ۱۲۸).

۴. بخشش

«قول معروف و مغفرة خیر من صدقة يتبعها اذی و الله غنی حلیم؛ گفتار پسندیده در برابر نیازمندان و عفو و گذشت از خشونت‌های آنان از بخششی که به دنبال آن آزار باشد، بهتر است و خدا بی‌نیاز و بردبار است» (بقره، ۲۶۳).

«خذالعفو؛ عفو را پیشه کن» (بقره، ۱۰۹).

«فاعفوا و اصفحوا؛ عفو و گذشت را شیوه خود قرار بده» (اعراف، ۱۹۹).

«فاعف عنهم و استغفر لهم و شاورهم فی الامر فاذا عزمتم فتوکل ان الله یحب المتوکلین؛ پس ای پیامبر! به علت نافرمانی‌های مسلمانان آنها را مورد عفو قرار ده، برای آنها طلب آمرزش کن و با آنها مشورت کن و اما هر گاه تصمیم گرفتی، بر خدا توکل کن که خدا توکل‌کنندگان را دوست دارد» (آل عمران، ۱۵۹).

حضرت موسی - علیه السلام - عرض کرد: پروردگارا! کدام‌یک از بندگانت نزد تو عزیزتر است؟ خدا فرمود: «آنکه در وقت توانایی عفو نماید».

امام علی (ع) خطاب به مالک فرمود:

«از آنها (مردم) خطاها سرخواهد زد، یا علت‌هایی بر آنها عارض خواهد شد و خواسته یا ناخواسته خلاف‌هایی از دستشان برآید، پس همان گونه که تو دوست داری خداوند تو را مورد عفو و گذشت خویش قرار دهد، تو نیز آنان را مورد عفو و بخشش خویش قرار ده» (حرانی، ۱۳۸۵، ص ۲۰۹).

«ای مالک! هر گاه کسی را بخشودی از کرده خود پشیمان مشو و هرگاه کسی را کیفر دادی از کرده خود شامادن مباش» (همان).

«گره هر کینه‌ای را نسبت به مردم از خود بگشای و رشته هر انتقامی را ریشه‌کن ساز» (همان، ص ۲۱۱).

نتیجه‌گیری

بسیاری از رفتارها و تصمیم‌های کارکنان و مدیران در سازمان‌های امروزی تحت تأثیر ارزش‌های اخلاقی آنهاست. از آنجا که نیروی انسانی چه به صورت فردی و چه به صورت گروهی و در تعامل با دیگران، همچنان مهم‌ترین عامل تولید به شمار می‌آید، قضاوت افراد در مورد درستی یا نادرستی کارها بر کمیت و کیفیت عملکرد آنان و به تبع آن، عملکرد سازمان و در نتیجه موفقیت آن به شدت تأثیر دارد. از این رو، توجه به اصول اخلاقی برای سازمان‌ها ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. اخلاق کار می‌تواند از طریق تنظیم بهتر روابط، کاهش اختلاف و تعارض، افزایش جوّ تفاهم و همکاری و نیز کاهش هزینه‌های ناشی از کنترل، عملکرد را تحت تأثیر قرار دهد. به علاوه، هوش اخلاقی باعث افزایش تعهد و مسئولیت‌پذیری بیشتر کارکنان شده و به بهبود کارایی فردی و گروهی می‌انجامد. رعایت اخلاقیات در برخورد با همکاران داخلی و بیرونی، سبب افزایش مشروعیت اقدام‌ها سازمان و استفاده از مزایای ناشی از افزایش چندگانگی شده و سرانجام باعث بهبود سودآوری و مزیت رقابتی می‌شود. بدین جهت لازم است که مدیران در جهت ارتقای اخلاق سازمان کارهایی انجام دهند. توجه به میزان مشروعیت اقدام‌های سازمان از نقطه نظر کارکنان، رعایت عدالت در سیستم‌های گزینش و استخدام، حقوق و دستمزد، پاداش و ارتقاء، تدوین منشور اخلاقی سازمان، اقدام‌های متناسب و سازگار با خواست و حساسیت‌های جامعه درباره مسائلی، مانند اجرای برنامه‌های آموزش اخلاقیات برای مدیران و کارکنان و به ویژه پایبندی رهبران و مدیران سازمان‌ها به اصول اخلاقی، از جمله کارهایی است که سازمان‌ها در این زمینه می‌توانند انجام دهند.

در این مقاله، ابتدا اصول هوش اخلاقی به دو دسته عمومی (از نظر بوربا) و اختصاصی (از نظر لنینک و کیل) تقسیم شد که از دیدگاه قرآن کریم و ائمه معصومین(ع) مورد بررسی قرار گرفت و مشخص شد که مهم‌ترین صفات عمومی، شامل مهربانی، انصاف، توجه و احترام، خودکنترلی و هوشیاری و مهم‌ترین صفات اختصاصی مدیران، شامل درست‌کاری، مسئولیت‌پذیری و بخشش است. به عبارتی، افراد با هوش اخلاقی بالا کار درست را صحیح انجام می‌دهند، اعمال آنها پیوسته با ارزش‌ها و عقایدشان هماهنگ است، عملکرد بالایی ارائه می‌دهند و همیشه کارها را با اصول اخلاقی پیوند می‌دهند.

منابع

- قرآن کریم.
- آمدی، عبدالواحد (۱۳۳۷)، *غررالحکم و دررالکلم، یا مجموعه کلمات قصار حضرت مولی‌الموالی الامام ابوالحسن امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب، ترجمه محمدعلی الانصاری القمی، تهران.*
- الحسنی البیرجندی، حسین (۱۳۷۹)، *غریب الحدیث فی بحار الانوار، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.*
- حرانی، شیخ ابومحمد (۱۳۸۵)، *تحف العقول عن آل الرسول (ص)، قم: انتشارات آل علی.*
- رضی، سید بهاءالدوله ابونصر بن بابویه (۱۳۷۴)، *ترجمه و شرح نهج البلاغه، خطبه‌ها، نامه‌ها و سخنان کوتاه امیرالمؤمنین (ع)، ترجمه فیض الاسلام، ۱-۶ جلد.*
- محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۷۷)، *میزان الحکمه، همراه با ترجمه فارسی، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم: دارالحدیث.*
- یثربی کاشانی، محمد (۱۳۸۴)، *سیری در رساله حقوق امام سجاد(ع): سلسه گفتارهای حضرت آیت الله میر سیدمحمد یثربی، تنظیم از قاسم نصیر زاده، قم: فرهنگ آفتاب.*
- Borba, M. (2005), *The step- by – step plan to building moral intelligence.*
- Lennick, D & Kiel, F (2005), *Moral intelligence: The key to enhancing business performance and leadership success*, Wharton School Publishing, An imprint of Pearson Education.
- _____ (2008), *Moral intelligence: Enhancing business performance and leadership success*, (p.2-5), Wharton School Publishing, Available at <http://www.Leadershipnow.com>.
- Nurtuing Kids Heart & Souls, National Educator Award, *National council of self-esteem*, Jossey - Bass.
- Turner, N & Barling, J. (2002), "Transformational leadership and moral reasoning", *Journal of Applied Psychology*, 87(2), p.31-304.